

فصلنامه جامع دفاع مقدس

سال اول، شماره ۲، زمستان ۱۳۹۵؛ ص ۸۵-۱۰۵

جهاد و دفاع مقدس از دیدگاه قرآن و روایات

جان محمد رئیسی

کارشناس ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد نیک شهر

(دریافت: ۹۵/۰۸/۲۶، پذیرش: ۹۵/۱۰/۱۷)

چکیده

از نظر قرآن و منابع دینی، جنگ و جهاد برای جلوگیری از آلودگی و فساد در زمین، محفوظ ماندن پرستش گاه‌ها، جلوگیری از ستمگری و دفاع از مظلومان و به تعبیری برای مقابله با هر آنچه مانع کمال، رستگاری و سعادت انسان است، مجاز شمرده شده است، نه برای استثمار اقتصادی یا برتری طلبی سیاسی یا توسعه طلبی اجتماعی و جغرافیایی و مسائلی که در طول تاریخ حیات پر رنج انسان، امنیت و آرامش را از آنان سلب کرده و بیشترین زیان و خسارت را بر آن‌ها تحمیل نموده است.

بنابراین اگر قرآن کریم در جایی فرموده: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً» با آیه «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً» منافات ندارد. چون جنگ برای دفع فتنه است، امری که به دنبال آن سلم و صلح امکان پذیر خواهد بود. سیره عملی پیامبر (ص) نیز در تمامی درگیری‌ها با مشرکان، کفار و یهودیان، بر ترک تجاوز و ستم استوار بود و اساساً فلسفه جهاد در راه اسلام، برقراری عدالت، تأمین مصالح واقعی و آزادی‌های مردم بر اساس ارزش‌های انسانی و دینی بوده است.

کلید واژه‌ها: جنگ، جهاد، دفاع، مقدس، اسلام، قرآن، روایات.

مقدمه

سپاس خدایی را که پروردگار جهانیان است و سلام و درود بر سرور ما حضرت محمد (ص) که به حق مبعوث شد و در راه خدا به تمام و کمال جهاد کرد. جهاد در مکتب اسلام به خاطر اعلاء کلمه ... و اجرای حکومت الهی در عالم دنیا مشروع شده و این یکی از مهم‌ترین اهداف جهاد به شمار می‌آید. دین مبین اسلام به ما دستور می‌دهد جهاد کنید تا بساط فتنه برچیده شود، جهاد کنید تا حقوق مستضعفان را از مستکبران بگیرید. جهاد است که از همه ارزش‌های والای اسلام و قرآن پاسداری نموده و نمی‌گذارد پرچم توحید و آیین یکتاپرستی سقوط نماید. به وسیله جهاد است که می‌توان به زورگویی‌های استکبار جهانی و ایادی آن خاتمه داد و دست طمع آنان را از جامعه اسلامی کوتاه کرد. وجود جهاد در اسلام نشانه کاملیت دین مبین اسلام می‌باشد، زیرا هدف از نزول هر دین و شریعتی این است که آن دین و شریعت در جهان نافذ شود و به بشر ستم‌دیده کامیابی را به ارمغان آورد.

بیان مسئله

واژه جنگ و جهاد در فرهنگ غیر اسلامی به معنای حرب و قتال، و شامل هر نوع درگیری و نزاع با هر هدف و مقصودی اعم از مادی یا معنوی، دنیوی و اخروی، مبتنی بر حس ناسیونالیستی با اهداف اقتصادی و غیره بیان می‌شود. ولی جنگ و جهاد در فرهنگ و اندیشه اسلامی به معنای کوشش و تلاش مقدس پیروان یک آیین در جهت تعمیم سعادت به دیگر ملل است. بنابراین جهاد پیکاری است که برای خشنودی خداوند در جهت تحقق اهداف الهی و انسانی، برای آزادی ملت‌ها از زیر بار ستم انجام می‌پذیرد.

به طور مثال در سوره نساء آیه ۷۵ می‌خوانید: «وَمَا لَكُمْ لَأ تَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَل لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَل لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا».

«و چه شده است شما را که در راه خدا و مستضعفانی از مردان و زنان و کودکانی که می‌گویند پروردگارا ما را از این شهری که مردم آن به ظلم گراییده خارج ساز و از جانب خود یاور و ناصری برای ما قرار ده، پیکار نمی‌کنید؟!»

روشن است که جهاد به مقتضای همین آیه عبارت از قتالی است که با هدف خشنودی خدا و نجات مستضعفان اعم از مردان و زنان و کودکانی تحقق می‌یابد که از خداوند یاری می‌طلبند تا آن‌ها را از ستم ستمگران و مردمی که به ظلم گراییده‌اند، نجات دهد و از جانب خدا برای آن‌ها فرمانروایی عادل و یآوری نیکوکار قرار دهد.

ضرورت و اهمیت تحقیق

با توجه به ظهور فرقه‌ها و گروه‌های تندرو و افراطی اسلامی مانند طالبان، القاعده و داعش و حتی گروهک‌های تروریست ضد اسلامی و تکفیری که به نام اسلام، چهره اسلام ناب محمدی را خدشه‌دار کرده‌اند و یک جریان اسلام هراسی در جوامع و دنیای امروز به راه انداخته‌اند، ضرورت و اهمیت پژوهش را در مسئله جنگ و جهاد دو چندان می‌کند.

ناگفته نماند که بیشتر جوانان و قشر فعال جامعه در خطر شکار ترندهای دشمن قرار می‌گیرند که من جمله از عوامل فریب جوانان این مرز و بوم را می‌توان عدم آگاهی از آموزه‌های دینی و دیدگاه دین مبین اسلام نسبت به جنگ و جهاد دانست. اگر چنانچه این فعالیت‌های فرهنگی و پژوهشی صورت نگیرد و جوانان از این آسیب‌ها و خطرات آگاه نشوند، مسلماً بیشتر در معرض تهدید و تطمیع دشمنان قرار خواهند گرفت. بنابراین این انگیزه باعث شد که این موضوع انتخاب شود تا باشد ما نیز قدمی و لو کوچک در این زمینه برداریم، اگر چه این کار بسی بزرگ است و بیش از توان ماست اما گفته‌اند: آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید.

اهداف تحقیق

همان‌گونه که در اهمیت تحقیق به مهم بودن آن اشاره شد، مهم بودن اهداف را نیز به دنبال دارد. برخی از آن اهداف عبارتند از:

- الف) تبیین نظریات و دیدگاه دین اسلام نسبت به مسئله جنگ و جهاد.
- ب) ارائه آراء و اقوال درست و صحیح و منطقی از جنگ و دفاع.
- ج) آگاه کردن و آشنا ساختن مسلمانان از دیدگاه اسلام نسبت به جنگ و جهاد.
- د) تشویق و ترغیب مسلمانان به ویژه جوانان برای دفاع از حفظ اسلام به وسیله جنگ و جهاد.
- هـ) زنده کردن فرهنگ ایثار و شهادت.
- و) پاسخ به شبهات افراط گرایانه نسبت به جنگ و جهاد که گروه‌های تکفیری، داعشی و ... که بیشتر در بین جوانان مشاهده می‌شود.

فرضیه تحقیق

مفهوم جنگ در تفکر و اندیشه اسلامی، به «جهاد» تعبیر شده است، و یکی از ابواب مهم فقه اسلامی می‌باشد. پرسشی که در این رابطه مطرح می‌شود این است که جنگ در فرهنگ اسلامی چگونه تعریف شده و آن با چه شاخص‌هایی شناخته می‌شود؟

با توجه به این سؤال تلاش می‌شود ساختار نظری این مفهوم را همراه با ویژگی‌های آن در لابه‌لای آیات قرآن و روایات مورد بررسی قرار داده و درنهایت به یک نتیجه و جمع‌بندی کامل و پاسخی درست از فرضیه رسید.

پیشینه تحقیق

پدیده جنگ و درگیری پیشینه طولانی به قدمت بشر در کره خاکی دارد، در همان مرحله آغاز خلقت انسان که خداوند حضرت آدم (ع) را خلق کرد، برای اولین بار یکی از فرزندان آدم (ع) یعنی «قابیل» با کشتن برادرش «هابیل» جنگ را به عنوان یک کار ناپسند و گناهی بزرگ در جامعه بشریت رواج داد. در اثر این پدیده شوم، خسارت‌های جبران ناپذیری برای همه موجودات زنده به ویژه انسان به بار آمده است. قرآن کریم نیز جنگ را پدیده شوم و پیروی از خطوات شیطان دانسته و جامعه بشریت را به صلح و هم‌زیستی مسالمت آمیز دعوت نموده است.

البته اصل دفاع نه تنها در عالم انسانیت بلکه در میان همه جانداران به خاطر بقاء پذیرفته شده است. به تعبیر قرآن کریم: «وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفُتِنَتِ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَا بَيْنَهُمَا وَمَا تَرَكُوا مِنَ الْأَشْيَاءِ كَالرِّيحِ الشَّامِيَّةِ» اگر نبود این که خداوند تهاجم بعضی از انسان‌ها را به وسیله بعضی دیگر دفع می‌نماید هر آینه صومعه‌ها و بیعه‌ها و نمازخانه‌ها و مساجد که در آن نام خداوند فراوان برده می‌شود ویران می‌شد [حج: ۴۰].

مفهوم جهاد در اسلام

از تفسیر آیات قرآن کریم این نکته استنباط می‌شود که مفهوم واژه «جهاد» گسترده‌تر و همه جانبه‌تر از واژه «جنگ» است. واژه جهاد به معنای بذل مساعی به طور مطلق در زمان جنگ یا صلح می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت جنگ نوعی جهاد است. در قرآن کریم آیاتی آمده است که برای دریافت مفهوم آن‌ها، نیازی به تفسیر نیست. در این آیات مفهوم جهاد و وجوب و اهداف آن به روشنی مشخص شده است. از جمله در سوره بقره آمده است: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ» در راه خدا با آنان که به جنگ و دشمنی شما برخیزند جهاد کنید [بقره: ۱۹۰] و «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهٌ لَّكُمْ وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» حکم جهاد برای شما مقرر شد و حال آن که بر شما ناگوار و مکروه است لیکن چه بسیار شده که چیزی را شما ناگوار شمارید ولی به حقیقت خیر و صلاح شما در آن بوده، و چه بسیار شود که دوستدار چیزی هستید و در واقع شر و فساد شما در آن بوده و خداوند به مصالح امور داناست و شما نادانید [بقره: ۲۱۶]. در سوره توبه نیز آمده است: «انْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» برای جنگ با کافران سبک بار و مجهز بیرون شوید و در راه خدا با مال و جان دفاع کنید و «قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ» با کسانی که ایمان به خدا و روز قیامت نیاورده و آنچه خدا و رسولش حرام کرده، حرام نمی‌دانند و به دین حق نمی‌گروند قتال و کارزار کنید تا آنگاه که با ذلت و تواضع به اسلام جزیه بدهند [توبه: ۲۹].

۲۹ و ۴۱].

بنابراین جهاد در راه خدا به معنای بذل کوشش فراوان برای تبلیغ رسالت اسلام و تأیید و گسترش و دفاع از آن طریق جنگ و صلح است. یکی از فقها می‌گوید: «جهاد در صورتی تحقق می‌یابد که فقط برای خداوند متعال و اعلاى کلمه ... و سربلندی دین و یاری مسلمانان باشد، اما کسی که برای جمع آوری غنیمت و برده‌گیری و کسب نام و شجاعت و تحصیل شهرت یا گرفتن وام و به‌دست آوردن زن، جهاد کند و به جنگ دشمنان اسلام برود در واقع تاجر یا طالب چیزی از امور دنیوی است نه مجاهد» (خوارزمی، ۱۴۰۰: ۵۸۹).

وجوب جهاد و دفاع

ایده جهاد، یک ایده اسلامی و مخصوص مسلمانان است و اطلاق آن تنها به مواردی که در راه احقاق اهداف خداوند صورت گیرد، صحیح است و فقط مجاهدان مسلمان و مؤمن به جهاد حقیقی می‌پردازند. خداوند جهاد را ملاک سنجش صدق ایمان مسلمان قرار داده است، چون بالاتر از بخشش مال و جان در راه خدا چیزی وجود ندارد. قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

«قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ وَإِنْ تُطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَا يَلِتْكُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ . إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ» اعراب گفتند ما ایمان آورده‌ایم، به آن‌ها بگو شما به حقیقت، ایمان نیاوردید لیکن بگوئید اسلام آوردیم و هنوز ایمان در دل شما وارد نشده است. و اگر خدا و رسول را اطاعت کنید او از اعمال شما هیچ نخواهد کاست و از گناه شما می‌گذرد که خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. فقط مؤمنان واقعی هستند که به خدا و رسول ایمان آوردند و هیچ گاه شک و رعبی به دل راه ندادند و در راه خدا با مال و جانشان جهاد کردند. ایشان به حقیقت راستگو هستند [حجرات: ۱۴ و ۱۵].

از این آیه چنین استنباط می‌شود که اگر مسلمان در راه خدا جهاد نکند ایمانش کامل نمی‌شود و همچنین امتی که جهاد نکند گنهکار و مستحق مجازات الهی خواهد بود (ابن قیم الجوزی، ۱۳۹۹: ۷-۵).

همچنین در آیه کریمه «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهُ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ» [بقره: ۲۱۶] وجوب جهاد به روشنی مشاهده می‌شود. اگر چه اهل علم درباره کسانی که جنگ بر آن‌ها واجب است اختلاف نظر دارند، اما اکثر علمای مسلمان معتقدند که جهاد، واجب کفایی است، اگر تعداد کسانی که در جهاد شرکت می‌کنند قلیل باشند بر همه مسلمانان واجب می‌شود اما چنانچه تعداد افرادی که در این امر مهم شرکت کنند کافی باشد وجوب آن از سایر مسلمانان ساقط خواهد شد. ابن حزم می‌گوید: «جهاد بر همه مسلمانان واجب است اما در صورتی که کسانی

برای دفع دشمنان اقدام به جهاد کنند و به آن‌ها در سرزمین شان حمله کرده و از مرزهای اسلام دفاع کنند، وجوب جهاد از سایر مسلمانان برداشته خواهد شد ولی در غیر این صورت بر همه واجب است» (ابن حزم، ۱۳۸۸: ۴۶۱).

و اما مسئله وجوب دفاع و مبارزه با استکبار از اهم ضروریات اسلام و از اوجب واجبات و از بزرگ‌ترین مسئولیت‌های مسلمین می‌باشد. برای اینکه به عظمت این مسئولیت پی ببریم لازم است بدانیم که مسئله دفاع در کلمات فقها بدون قید و شرط بر همگان واجب می‌باشد، یعنی تمام آن شرایطی که در واجب شدن واجبات دیگر وجود دارد، در اینجا وجود ندارد. به عنوان مثال در جهاد ابتدایی شرایطی از قبیل اذن امام، حضور امام، مرد بودن، بالغ بودن و رضایت پدر و مادر که بدون این شرایط، واجب نمی‌شود. ولی جهاد دفاعی بدون قید و شرط بر همه آحاد مسلمین واجب است (بهداروند، ۱۳۹۲: ۱۰۹).

امام راحل همواره به مسئله جنگ و دفاع به عنوان اطاعت امر از خدا توجه داشتند، چنانچه می‌فرمایند: «دفاع بر هر مسلمانی، بر هر انسانی واجب است و ما به حسب امر خدا دفاع کردیم از خودمان و دفاع از اسلام نه دفاع از کشور خودمان فقط» (بهداروند، ۱۳۹۲: ۱۵۲).

امام (ره) به تبع فقهای عظیم الشان اسلام، نظیر سید یزدی صاحب عروه، صاحب جواهر و صاحب ریاض، سید علی طباطبایی و محقق میرزای قمی، شیخ بهایی و شهیدثانی در مسئله مبارزه با استکبار و دفاع از کیان دین و قرآن بر اساس مبانی فقهی خود می‌نویسد: «لو غشی بلاد المسلمین أو ثغورها عدو یخشی منه علی بیضة الإسلام و مجتمعهم یجب علیهم الدفاع عنها بأیة وسیلة ممکنة من بذل النفوس و الأموال» هرگاه دشمنی بر سرزمین‌های مسلمین و یا به مرزهای آن‌ها حمله آورد که ترس از بین بردن اسلام و جامعه اسلامی از آن برود بر همه مسلمین واجب است با هر وسیله ممکن به دفاع برخیزند و در این راه از بذل مال و جان دریغ نکنند (بهداروند، ۱۳۹۲: ۱۱۰).

و در مسئله دوم همین فصل می‌نویسد: «لایشترط ذلک بحضور الإمام و إذنه و لا إذن نائبه الخاص أو العالم فیجب علی کل مکلف بأیة وسیلة بلا قید و شرط» و در وجوب دفاع، حضور امام و اذن او و همچنین اذن نایب خاص یا نایب عام آن حضرت شرط نیست، بنابراین بر هر مکلفی با هر وسیله‌ای بدون قید و شرط، دفاع واجب است (بهداروند، ۱۳۹۲: ۱۱۰).

از مجموع موارد در می‌یابیم که بزرگان فقها نظیر حضرت امام (ره) در تمام طول تاریخ اسلام همه بر آنند که در صورت هجوم به اصل اسلام دفاع و مبارزه واجب است و همگان وظیفه دارند بر آن قیام کنند.

بنابراین با این وصف معلوم می‌شود که هجوم بر اسلام به هر طریقی اعم از هجوم و تجاوز سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی باشد، دفاع در برابر آن واجب است. به همین دلیل حتی در موردی هم که قصد تجاوز و هجوم نباشد ولی هجوم صدق کند، باز هم دفاع از اسلام بر آحاد مردم واجب

می‌شود و باید جلوی هجوم بر اسلام را بگیرند.

امام راحل با درس آموزی در مکتب اسلام، دفاع از کیان اسلام و مسلمین را از ضروریات و جزو اصول دین و آن را مقدم بر تمامی مسائل می‌دانستند؛ چرا که تنها در صورت عزت اسلام و حفظ کیان اسلام است که بستر اقامه حق و عمل به دستورات اسلام پدید خواهد آمد. دومین نکته‌ای که پیرامون ماهیت دفاع در اندیشه امام راحل، باید بدان توجه داشت، گستره دفاع می‌باشد. امام هیچ‌گاه جنگ ۸ ساله را تنها جنگ بین دو کشور یا دو ملت آن هم بر سر مقداری خاک نمی‌دانستند بلکه در دیدگاه امام (ره)، این جنگ، جنگ بین حق و باطل و جنگ بین تمامی کفر با تمامی اسلام بود، و معتقد بود تنها در سایه پیروزی بستر اقامه حق و افول باطل پدید می‌آید.

«جنگ امروز ما، جنگ با عراق و اسرائیل نیست، جنگ ما، جنگ با عربستان و شیوخ خلیج فارس نیست، جنگ ما، جنگ با مصر و اردن و مراکش نیست. جنگ ما، جنگ با ابرقدرت‌های شرق و غرب نیست، جنگ ما، جنگ مکتب ماست علیه تمامی ظلم و جور، جنگ ما جنگ اسلام است علیه تمامی نابرابری‌های دنیای سرمایه‌داری و کمونیزم، جنگ ما جنگ پابرهنگی علیه خوشگذرانی‌های مرفهین و حاکمان بی درد کشورهای اسلامی است. این جنگ، سلاح نمی‌شناسد، این جنگ محصور در مرز و بوم نیست، این جنگ خانه و کاشانه و شکست و تلخی، کمبود و فقر و گرسنگی نمی‌داند. این جنگ، جنگ اعتقاد است، جنگ ارزش‌های اعتقادی - انقلابی علیه دنیای کثیف زور و پول و خوش گذرانی است. جنگ ما، جنگ قداست، عزت و شرف و استقامت علیه نامردی‌هاست (به‌دروند، ۱۳۹۲: ۱۵۰).

با توجه به این فراز از جملات امام (ره)، عمق نگاه امام به دفاع مقدس به خوبی روشن می‌شود که امام جنگ را تنها درگیری دو کشور همسایه تلقی نمی‌کردند بلکه جنگ را بستر اقامه دین خدا و مبارزه با تمامی کفر می‌دانستند که چنین جنگی حتماً مرز ندارد و مرز آن تمامی جهان را دربر می‌گیرد (به‌دروند، ۱۳۹۲: ۱۴۹ و ۱۵۰).

لزوم کسب آمادگی برای جهاد

کسب آمادگی برای جنگ و جهاد در راه خدا نیز امری واجب است. آمادگی کامل در صورتی امکان پذیر است که تمامی وسایل مورد نیاز فراهم باشد. در این زمینه آن قدر باید تلاش کرد تا مسلمانان نیرومندتر از دشمنان شوند. اگر مسلمانان کاملاً آماده شوند و نیتشان را در جنگ برای خدا خالص گردانند، به یقین در برابر تمام دشمنان پیروز خواهند شد؛ اما اگر امیرشان در انجام این امر مهم کوتاهی کرد در انجام تکلیف دینی خود مقصر شناخته خواهد شد. چون وجوب جهاد به معنای وجوب کسب آمادگی لازم در زمینه‌های نظامی اعم از مادی و معنوی است و بر همه مسلمانان چه

خواص و چه عوام واجب است که ولی امر را وادار به این کار کنند، در غیر این صورت مرتکب گناه بزرگی شده‌اند.

جهاد بدون کسب آمادگی میسر نیست. اکثر فقها معتقدند که جهاد تنها به مرد آزاد و مکلف و کسی که توانایی تهیه سلاح و لوازم مورد نیاز را داشته باشد، واجب است. این امر مهم حداقل باید هر سال یک بار انجام شود مگر آنکه ضرورتی موجب تأخیر آن گردد. فقها معتقدند: «کسانی که جهاد بر آن‌ها واجب است و در شرایطی قرار می‌گیرند که دشمن شهری را محاصره کرده است و آنان در صف مسلمانان حاضر باشند جهاد واجب عینی خواهد شد.»

بهترین نوع جهاد، جهاد داوطلبانه است. بهترین جنگ، جنگ دریایی است. مسلمانان باید در کنار هر امیری چه صالح و چه فاجر با دشمن بجنگند، و مرابطه (استقرار در مرزها برای جهاد) تا چهل روز مصداق می‌یابد. انتقال خانواده مرابط به مرز، مستحب نیست. رسول خدا (ص) فرمود: «یک روز مرزداری در راه خدا، بهتر از هزار روز مشغول بودن به کار دیگر است.» جهاد بر کسی که قرضی دارد و کسی نیست که پس از او ادا کند واجب نیست و نیز کسی که تنها یکی از والدینش مسلمان است نباید به جهاد برود. البته در این دو مورد اگر طلبکار یا پدر اجازه دهد می‌تواند جهاد کند. این اصل در صورتی صادق است که جهاد بر او واجب عینی نشده باشد و گرنه باید حتماً به جهاد برود و لو این که طلبکار یا پدر به او اجازه ندهند. چرا که اطاعت از آن‌ها در صورتی که موجب ترک واجبی شود حرام است. بر مسلمانان جایز نیست که در اثر ضعف از جنگ فرار کنند، مگر برای آماده شدن برای جنگی دیگر یا پیوستن به یک گروه مجاهد دیگر؛ اما اگر تعداد کفار زیاد شد مسلمانان می‌توانند فرار کنند، مگر این که احتمال پیروزی رجحان پیدا کند (المقدسی، ۱۳۹۳: ۴۸۳-۴۸۵).

در حدیث شریف نبوی آمده است: «جهاد در کنار هر امیری واجب است، اعم از این که صالح باشد یا فاجر؛ حتی اگر مرتکب گناهان کبیره شده باشد». چون جهاد بر ضد دشمنان، در واقع دفاع از اسلام و مسلمانان است و در این مورد هیچ عذری پذیرفته نیست. چنانچه می‌گوید: «ترک جهاد به هر عذر و بهانه‌ای مسلماً منجر به تضعیف، و ذلت و از بین رفتن ابهت مسلمانان در برابر دشمنان و نابودی قدرت و هیبت آنان می‌شود». اگر قبول کنیم که مسئله جهاد و وجوب آن، یک مسئله مهم در اسلام است، به ناچار این نکته را نیز باید بپذیریم که ولی امر مسلمین حق ترک جهاد و سهل انگاری در دعوت به آن را ندارد و اگر مرتکب چنین خطایی شود بر مسلمانان واجب است که به او تذکر دهند و اگر باز هم وظیفه‌اش را در این خصوص انجام نداد، بر مسلمانان واجب است که ذمه خود را از اطاعت او بری کرده و دیگر از او پیروی نکنند و شخص دیگری را که به وظیفه جهاد و مبارزه پایبند باشد، جانشین وی سازند. زیرا مصلحت اسلام و عموم مسلمانان مقتضی چنین اقدامی است و این از مسائل کلی و مهمی است که به حیات امت اسلام مربوط می‌باشد و می‌دانیم که

شریعت اسلام هیچ‌گونه عذری را نمی‌پذیرد.

در حدیث شریف دیگری رسول خدا (ص) می‌فرماید: «پس از فتح مکه، هجرتی وجود ندارد ولی به جای آن، جهاد و نیت جهاد وجود دارد. هرگاه به جهاد فراخوانده شدید پس به هجرت بروید». از انس (رض) نقل شده که پیامبر فرموده است: «با مال، جان و زبانتان علیه مشرکان جهاد کنید». این حدیث بر این نکته دلالت می‌کند که جهاد با جان یعنی درگیری مستقیم با کفار؛ جهاد با مال یعنی پرداخت هزینه جهاد، اسلحه و غیره؛ جهاد با زبان یعنی اقامه برهان بر وجوب آن و دعوت به خدای متعال؛ جهاد با صدا به هنگام رودررویی با دشمنان برای جلوگیری از پیشرفت کفار و کلاً هر اقدامی که باعث رنج و ذلت دشمن می‌شود واجب است (الصنعانی، ۱۹۷۳: ۵۴).

اهداف جنگ و جهاد در اسلام

از ابوموسی اشعری (رض) نقل شده است که پیامبر اکرم (ص) فرمود: «هر کس برای اعتلای کلمه ... بجنگد در راه خدا جنگیده است» (الدهلوی، ۱۳۹۴: ۲۷۳).

هدف اسلام از جنگ و جهاد این نیست که مردم را به زور وادار به پذیرش آن کنند. خداوند می‌فرماید: «لا إكراه فی الدین ...» و همچنین هدف جهاد به‌دست آوردن غنایم و اموال فیء در میدان جنگ نیز نمی‌باشد.

مؤمنان همواره امیدوار بودند که از طریق جهاد بتوانند از عقیده اسلامی حمایت کنند، عقیده‌ای که یکی از اهدافش اعلام آزادی به طور جدی و متناسب با واقعیت‌های عملی از طریق به‌کارگیری ابزار مناسب در تمامی ابعاد است. در واقع نخستین هدف مجاهدان مسلمان حمایت از عقیده و نظام اسلامی است، نظامی که روش جهاد بر آن حاکم می‌باشد. از این رو مجاهدان در صحنه‌های کارزار وقتی دچار گرفتاری یا تنگنا یا شکست موضعی می‌شدند، فریاد «وا اسلاما» یا «اسلام نابودشد» سر می‌دادند، یا این جمله را فریاد می‌کردند که «اگر یاری خدا نبود اسلام نابود می‌شد» به همین دلیل می‌توان گفت که حمایت از دارالاسلام در واقع حمایت از عقیده اسلامی و جامعه اسلامی است که شریعت اسلام بر آن حاکم است. بنابراین به این نکته باید توجه داشت که حمایت از دارالاسلام و حتی حمایت از اعتقاد اسلامی، هدف نهایی حرکت جهاد اسلامی نیست، بلکه وسیله‌ای است برای برپایی حکم اسلام روی زمین تا در مرحله بعدی نقطه آغازی باشد برای گسترش آن در سراسر جهان به طوری که تمام بشریت را دربر بگیرد. چون موضوع این دین مربوط به انسانی است که بر این کره خاکی می‌باشد، جهاد نیز برای حفظ دین و دفاع از مسلمانان است.

پس می‌توان گفت فریضه جهاد، فریضه‌ای کلی است که بر دیگر فرایض مقدم می‌باشد. برای مثال اطاعت از والدین، یک واجب عینی است، اما وقتی جهاد هم واجب عینی باشد، این دو امر با هم برابر می‌شوند ولی در چنین وضعیتی، رفتن به جهاد مقدم بر اطاعت از والدین خواهد بود

(الصنعانی، ۱۹۷۳: ۵۵).

در اینجا باز هم یاد آوری می‌شود که عوامل اقتصادی یا منافع دنیوی به هیچ وجه هدف یا انگیزه جهاد اسلامی در طول تاریخ اسلام نبوده است. در منابع اسلامی هیچ نوشته‌ای وجود ندارد که نشان دهد مسلمانان به خاطر دستیابی به غنایم جهاد می‌کردند؛ البته گاهی برای ضربه زدن به اقتصاد و تدارکات و امکانات مالی دشمنان که احتمالاً باعث برتری شان بر مسلمانان می‌شد، جهاد انگیزه دیگری پیدا می‌کرد اما به هیچ وجه هدف نبود؛ چون هدف، جهاد در راه خدا و حمایت از اسلام بود که در منابع اسلامی نیز به همین مضمون اشاره می‌شود. برای مثال جمله «لولا نصرالله لهلك الاسلام» در تألیفات مورخان مسلمان زیاد به چشم می‌خورد. همچنین نقل شده است که در جنگ عین جالوت (۶۵۸ هـ - ۱۲۶۰ م) وقتی سلطان قطز نگران شکست گردید با صدای بلند فریاد «وا اسلاماه» برآورد. این فریاد مثل این است که امروزه مسلمانان می‌گویند: «اسلام در خطر است». در هیچ یک از منابع اسلامی به این نکته اشاره نشده است که از دست دادن زمین یا کالا، هدف فلان جنگ یا هدف جهاد مجاهدان بوده است.

استقامت در برابر دشمن

بر مسلمانان واجب است که در میدان جنگ ثابت قدم باشند و نباید مسائل ناگواری همچون کشته شدن برخی از فرماندهان یا سربازان، اثر منفی بر روحیه شان بگذارد. آنان نباید از شکست برخی از نیروهایشان ناراحت شوند تا بتوانند از فروپاشی معنوی و وقوع شکست کامل، جلوگیری نمایند. اصولاً نتایج ناشی از ثبات قدم در میدان جنگ، همیشه بهتر از نتایج فرار و شکست می‌باشد. در شریعت اسلام، انتشار اخبار جنگ و شرایط مربوط به آن نهی شده است. همچنین پخش شایعات ناپسند میان مسلمانان با این هدف که به تضعیف روحیه آنان ایجاد تزلزل در صفوف مجاهدان و عموم مسلمانان منجر شود، حرام است. لازم است ارتش اسلام در برابر دشمن صبر پیشه کند و ثبات قدم داشته باشد و از پشت کردن به دشمن و فرار از میدان جنگ پرهیزد، مگر به دلایل مشروعی که مقتضای مصلحت باشد. همچنین اطاعت و رعایت انضباط و نداشتن اختلاف و درگیری‌های داخلی در شرایط جنگی و حتی دوری از عوامل اختلاف بر سربازان اسلام واجب است چرا که تمام این موارد باعث بروز خطرهایی برای مسلمانان می‌شود (ابن حزم، ۱۳۸۸: ۴۶۳ و ۴۶۴).

نمونه استقامت و پایداری را می‌توان در رزمندگان هشت سال دفاع مقدس با رهبری و مدیریت امام راحل (ره) در برابر دشمن متجاوز بعثی عراق مشاهده کرد. امام (ره) با تکیه بر مبانی متقن فقهی و عقیدتی خویش که در آن لزوم هر گونه سبیل و سلطه‌ای توسط دشمن نفی شده است در برابر تمامی تهاجمات سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی آمریکا ایستادگی نمود و فرمود: «این جنگ اگر

۲۰ سال هم طول بکشد ما ایستاده‌ایم، ما مرد جنگیم». او فرزند مکتب عاشورا است که در برابر عظمت عنکبوتی دشمن، آیات وحی را تلاوت می‌کند که: «أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسَّتْهُمُ الْبَأْسَاءُ وَالضَّرَّاءُ وَزُلْزِلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصُرَ اللَّهُ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ» [بقره: ۲۱۴].

او می‌دانست که شرط اساسی در مبارزه و فایق آمدن بر همه مشکلات، صبر و استقامت است و در کنار آن آمادگی و خودباوری در تمام عرصه‌هاست. امام (ره) بر اساس آیه قرآن در تمامی ابعاد طرح مبارزه با غرب و جهان کفر را پیگیری کرد. در بعد نظامی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی به حکم: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ» [انفال: ۶۰] ابتدا سپاه پاسداران را به عنوان نیروی مسلح و معتقد در برابر ارتش شکست خورده باقیمانده مطرح نمود و در بعد فرهنگ، مسئله انقلاب فرهنگی را عنوان کرد و در عرصه سیاست «سیاست نه شرقی نه غربی» را در صحنه دیپلماسی مطرح نمود. با نگاهی به یکایک رفتارهای اجتماعی حضرت امام قدس سره به خوبی ارتباط منطقی آن را با مبانی فقهی و عقیدتی متخذ از قرآن و سنت را در می‌یابیم (به‌دراوند، ۱۳۹۲: ۱۲۱).

انفاق برای جهاد در اسلام

یکی از موضوعاتی که شایسته است به آن تأکید شود این است که هزینه جهاد باید از مال حلال و بدون شبهه تأمین شود. زیرا این در واقع یکی از عوامل قدرت مسلمانان است. در قرآن آیات زیادی وجود دارد که جهاد جانی و جهاد مالی را به هم ربط داده است و بدین ترتیب که فریضه جهاد، جهاد مالی را نیز دربر می‌گیرد. دو آیه زیر نمونه‌هایی از آیات مزبور هستند:

«انْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ» (برای جنگ با کافران) سبکبار و مجهز بیرون شوید و در راه خدا با مال و جان جهاد کنید این کار شما بسی بهتر خواهد بود [توبه: ۴۱].

«إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمْ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» خدا جان و مال اهل ایمان را به بهشت خریداری کرد آنان در راه خدا جهاد می‌کنند که دشمنان دین را بکشند یا خود کشته شوند، این وعده قطعی است بر خدا و عهدی است که در تورات و انجیل و قرآن یاد فرموده است و از خدا با وفاتر بر عهد کیست؟ ای اهل ایمان شما به خود در این معامله (خریداری بهشت ابد به جان و مال) بشارت دهید که این معاهده با خدا به حقیقت سعادت و پیروزی است [توبه: ۱۱۱].

مال، ستون اصلی جنگ است و اصولاً جهاد، بدون تأمین بودجه کافی امکان پذیر نیست. بنابراین

تأمین بودجه، تأثیر بزرگی در حرکت جهاد و تأمین وسایل و مقدمات آن و نیز راه اندازی صنایع جنگی و امور مربوط به ارتش دارد. زیرا تمام این اقدامات نیاز به بودجه کافی دارد و انفاق نکردن در راه خدا برای آماده کردن نیرو و وسایل جهاد و کمک به مجاهدان مسلماً منجر به هلاکت و خسارت جبران ناپذیری خواهد شد. در قرآن آیات زیادی آمده است که مسلمانان را به انفاق در راه خدا، با هدف تحصیل ثواب الهی تشویق می‌کند، که ذکر آن‌ها در این مقاله نمی‌گنجد. خلاصه سخن این که انفاق در راه خدا به ویژه برای آماده‌سازی ارتش اسلام بر هر مسلمانی (البته به اندازه توانایی‌اش) واجب است و اگر بر این امر قادر باشد ولی انجام ندهد مرتکب گناه مذهبی بزرگی شده است.

روایات واحادیث درباره دفاع

پیامبر (ص):

إِنَّ اللَّهَ يُبْعِضُ رَجُلًا يَدْخُلُ عَلَيْهِ فِي بَيْتِهِ وَ لَا يُقَاتِلُ: خداوند دشمن می‌دارد مردی را که در خانه‌اش بر او حمله کنند و او نجنگد (عیون أخبار الرضا (ع)، ج ۲: ۲۸).

پیامبر (ص): مَنْ قُتِلَ دُونَ مَالِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ: هر که در راه [حفظ] مالش کشته شود، شهید است (دعائم الاسلام، ج ۱: ۳۹۸).

امام علی (ع): إِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ فَتَحَهُ اللَّهُ لِخَاصَّةٍ أَوْلِيَاءِهِ: جهاد دری از درهای بهشت است که خداوند آن را بر روی اولیای خاص خود گشوده است (نهج البلاغه، خطبه ۲۷).
امام (ع) در وصیت به حسنین علیهما السلام فرمود: وَاللَّهِ لَئِنْ لَمْ يَكُنْ فِي الْجِهَادِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَأَلْسِنَتِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ: خدا را خدا را درباره جهاد با مال و جان و زبان تان در راه خدا (نهج البلاغه، نامه ۴۷).

معصوم علیه السلام: لِيُقَاتِلَ كُلُّ امْرِئٍ عَنْ نَفْسِهِ وَ مَالِهِ وَ أَهْلِهِ: هر مردی باید برای [حفظ] خود و مال و خانواده‌اش بجنگد (تفسیر القمی، ج ۱: ۲۵۸).

دیدگاه اسلام درباره قاعدین

قاعدین به کسانی گفته می‌شود که از جنگ و جهاد باز بمانند؛ عمداً یا بنا بر عذری ترک جهاد کنند. خداوند در سوره توبه در این باره می‌فرماید: «وَعَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خَلَفُوا حَتَّىٰ إِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحَبَتْ وَ ضَاقَتْ عَلَيْهِمْ أَنْفُسُهُمْ وَ ظَنُّوا أَنْ لَا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ» [توبه: ۱۱۸].

و به آن سه تن که (از جنگ تبوک) تخلف ورزیدند تا آن که زمین با همه پهناوری بر آن‌ها تنگ شد و بلکه از خود دل‌تنگ شدند و دانستند که از غضب خدا جز لطف او ملجأ و پناهی نیست، پس خدا بر آن‌ها باز لطف فرمود تا توبه کنند که خداوند بسیار توبه پذیر و مهربان است.

قرآن کریم در آیه فوق به سه تن از مسلمانان مخلص اشاره می‌کند که بدون هیچ‌گونه عذر موجهی از رفتن به غزوه تبوک تخلف کردند، بنابراین پیامبر (ص) و مسلمانان پس از بازگشت از آن جنگ، مراد به آن‌ها را تحریم کردند به طوری که حتی نزدیکان آن‌ها نیز در این تحریم شرکت نمودند، این تحریم بیش از چهل روز به طول انجامید. این امر بر متخلفان به حدی سخت شد که زمین با همه گستردگی‌اش بر آن‌ها کوچک گردید؛ آن‌ها حتی از خود نیز بیزار شدند و در طول این مدت، بر تقصیر خود می‌گریستند و به درگاه خدا تضرع می‌کردند شاید توبه‌شان قبول گردد. این رنج همچنان ادامه داشت تا این که خداوند دعایشان را مستجاب کرد و توبه‌شان را پذیرفت.

از این موضع‌گیری قرآن چنین استنباط می‌شود که مسلمانان باید موضع قاطعی را در برابر کسانی که از گروه مسلمانان خارج شده و در انجام وظیفه عمومی و به ویژه وظیفه انجام جهاد، کوتاهی می‌کنند اتخاذ نمایند. به علاوه این موضع در برابر کسانی اتخاذ شد که در اخلاص و قدرت ایمان شان شکی نبود و تنها به دلایل واهی از انجام وظیفه‌شان کوتاهی کردند. طبیعی است که موضع اسلام با کسانی که در اخلاص آن‌ها شکی وجود دارد سخت‌تر و قوی‌تر است. بنابراین تکلیف کسانی که با نیت سوء و به عناوین مختلف جهاد را به تعویق می‌اندازند یا سد راه مسلمانان می‌شوند یا سعی در سست کردن اراده آنان دارند و خود نیز برای جهاد با متجاوزان و دشمنان پنهان و آشکار خدا، آماده نمی‌شوند، بسیار روشن است.

ولی امر مسلمانان هم می‌بایست به اشکال گوناگون از تضعیف و نهی و تأدیب گرفته تا تعزیر و جریمه نقدی و ایجاد تزییقات از کار این گروه‌ها جلوگیری کند، چون وجود چنین گره‌هایی سبب می‌شود ضعف و سستی به دل و صفوف عموم مسلمانان راه یابد و این به نوبه خود، تأثیر بدی بر روحیه مجاهدان خواهد داشت. همچنین قعود از جهاد در صورت نداشتن عذر موجه مذموم است (حجاری، ج ۵، ۱۳۹۷: ۴۶-۴۴).

در طول تاریخ اسلام، روش‌های اجرایی و عملی احکام در مورد جهاد در اسلام به اشکال و صورت‌های مختلفی اجرا و عملی شده است. مثلاً اسلام اطاعت از ولی امر مسلمانان را مشروط به میزان اجرای احکام فقهی و رعایت این احکام می‌داند. اگر ولی امر نسبت به موضوع جهاد فی سبیل... بی‌اعتنا باشد، ترک اطاعت و خلع او واجب می‌گردد، چرا که در انجام تعهد خود کوتاهی کرده است (ابن العماد الحنبلی، ج ۵، ۱۹۸۲: ۴۵۵).

آتش‌بس و شرایط آن از نظر اسلام

آتش‌بس یا صلح، در متون اسلامی و اصول فقه، با کلماتی مثل: هُدْنَه، صلح، سلم، مصالحه و غیره آمده است. هُدْنَه، در لغت به معنی مصالحه. وقتی گفته شود: هَادِنَه، يُهَادِنَه، مُهَادِنَه، یعنی مصالحه کرد. هَدْنَه یا از ریشه هَدَن، يَهْدِن، هُدُوناً است و به معنای آرامش یافتن. از همین ریشه این

ضربالمثل عربی گفته شده است: «هدنة علی دخن» یعنی آرامشی که به دنبال یک جوشش می‌آید. همچنین به مصالحه به این دلیل هدنه گفته می‌شود که به سبب آن جنگ به تأخیر می‌افتد و در نتیجه آرامشی نسبی به وجود می‌آید. از معانی دیگر هدنة، مسالمت است و به این معنی است که هر یک از دو طرف از گزند طرف دیگر سالم بماند. معنی دیگر هدنة، مقاضات، یعنی محاکمه بر وزن مفاعلة از ریشه قضا است و به معنی حکم کردن و حل و فصل کردن دعوا می‌باشد. وجه تسمیه هدنة به مواصفه این است که کاتب، شرح ما وقع صلح طرفین را در پیمان نامه توصیف می‌کند.

اما در فقه اسلامی، هدنة عبارت است از صلحی که میان دو رهبر در زمانی مشخص با شرایطی مخصوص برقرار می‌شود. اصل این است که مهادنة میان دو پادشاه یا دو سلطان یکی کافر و دیگری مسلمان یا میان نمایان آن‌ها برقرار شود. فقهاء در کتاب‌های فقهی، باب هدنة را به طور مفصل و روشن تنظیم کردند.

هدنة در فقه، به معنای پیمان ترک جنگ از طرفین برای مدتی معلوم، توسط امام یا نایب او است و به جز این دو، کسی دیگر حق عقد پیمان آتش‌بس را ندارد، چون اگر این کار برای هر کس جایز باشد لازمه‌اش تعطیل جهاد خواهد بود. بنابراین اگر کسی غیر از امام یا نایب او با کفار قرار داد آتش‌بس را امضا کند، آن قرارداد صحیح نیست. البته اگر بر مبنای این صلح کافری وارد دارالاسلام شود، چون خود به این مسئله اعتقاد داشته است در امان خواهد بود اما نباید در دارالاسلام بماند و باید به دارالحرب برگردانده شود (القلقشندی، ج ۱۴، ۱۳۳۸: ۱-۳).

آیات و احادیث زیر منابع مشروعیت مهادنه با کفار می‌باشند:

«فَسَبِّحُوا فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ» [توبه: ۲].

«وَأِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا» [انفال: ۶۱].

در صحیح بخاری از عروه بن زبیر (رض) در مورد صلح حدیبیه و نتیجه مذاکرات با قریش - که پیامبر (ص) و مسلمانان را از زیارت کعبه منع کرده بودند - آمده است که مسلمانان با قریش بر سر آتش‌بسی که معروف به صلح حدیبیه است به توافق رسیدند. نسخه‌ای از آن قرارداد معروف را در زیر آورده شده است:

«این آن چیزی است که محمد بن عبدا... با سهیل بن عمرو به منظور برداشتن جنگ از دوش مردم به مدت ده سال در مورد آن با یکدیگر مصالحه کردند. هر کس که دوست دارد در پیمان و ذمه محمد وارد شود آزاد است و هر کس دوست دارد وارد پیمان و ذمه قریش شود نیز آزاد است». تعدادی از مسلمانان و مشرکان نیز به این صلح‌نامه گواهی دادند. (القلقشندی، ج ۱۴، ۱۳۳۸: ۵ و ۶) از مفاد این صلح‌نامه چنین استنباط می‌شود که مدت آتش‌بس فقط ده سال بوده است. چنانچه در روایتی از مروان بن حکم و مسور بن مخرمه آمده است که پیامبر (ص) با قریش برای ترک جنگ

به مدت ده سال مصالحه کرد (الصنعانی، سبل السلام: ۹۰). البته این به معنای صلح دائمی میان طرفین نبود، تنها مصالحه‌ای موقت بود که حداکثر مدت آن در صورتی که دو طرف به شرایط آن پایبند می‌ماندند ده سال طول می‌کشید.

و اما قرارداد آتش‌بس، شرایطی دارد که ذکر همه آن‌ها در این مقاله مقدور نیست. از مهم‌ترین آن‌ها یکی این است که قرارداد باید به نفع مسلمانان باشد. مثلاً مسلمانان ضعیف شده باشند یا از لحاظ مالی کمبودی داشته باشند یا احتمال برود طرف‌هایی که با آن‌ها آتش‌بس امضاء می‌شود، به دلیل مرادده‌شان با مسلمانان به دین اسلام بگردند.

شرط دیگر این است که در عقدنامه، شرطی مخالف اسلام گنجانیده نشده باشد. مثلاً قید شده باشد که اموال یک مسلمان باید در دستشان باقی بماند یا اسیر مسلمانی که احیاناً توانسته از دستشان فرار کند به آن‌ها بازگردانده شود. البته تمام این شرایط در صورتی است که خوفی از شکست مسلمانان وجود نداشته باشد (الشوکانی، ج ۷، ۱۹۷۳: ۲۴۹-۲۳۶).

همه قراردادهای مذکور در صورتی صحیح‌اند که دشمن خارج از مرزهای دارالاسلام باشد. اما اگر دشمن، بخشی از بلاد اسلام را تصرف کرده باشد و ادعای مالکیت آن را داشته باشد و اصولاً حق مسلمانان را در آن بخش انکار کند و به آن‌ها تجاوز و ظلم نماید به اجماع فقها در کلیه قرون اسلامی، آتش‌بس یا مصالحه یا موادعه با آن‌ها جایز نیست (ابن قدامة المقدسی، ج ۱، ۱۳۹۳: ۵۲۰).

دوستی با دشمنان اسلام

یکی دیگر از عوامل قدرت پس از کسب آمادگی معنوی و نظامی برای جهاد بر ضد دشمنان، دوست نبودن با دشمنان اسلام است. مقصود از دوستی در اینجا هم پیمانی و مبادله کمک با دشمنان، همچنین دوستی با آنان و پیروی از سیاستشان می‌باشد. در آیات زیر به این موضوع اشاره شده است:

«لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً وَيُحَذِّرْكُمْ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ» نباید اهل ایمان، مؤمنان را وا گذاشته و با کافران دوستی کنند. هر کس چنین کند رابطه‌اش با خدا بریده است، مگر برای برحذر بودن از شر آن‌ها و خدا شما را از عقاب خود می‌ترساند و بازگشت همه به سوی خدا خواهد بود [آل عمران: ۲۸].

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» ای اهل ایمان، یهود و نصاری را به دوستی مگیرید. آنان بعضی دوستدار بعضی دیگرند و هر که از شما مؤمنان با آن‌ها دوستی کند به حقیقت از آن‌ها خواهد بود و همانا خداوند ستمکاران را هدایت نخواهد نمود [مائده: ۵۱].

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُؤًا وَلَعِبًا مِّنَ الَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ مِّن قَبْلِكُمْ وَالْكَفَّارَ أَوْلِيَاءَ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ» ای اهل ایمان با آن گروه از اهل کتاب و کافران که دین شما را بازیچه گرفتند دوستی مکنید و از خدا بترسید اگر به او ایمان آورده‌اید [مأئده: ۵۷].

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا آبَاءَكُمْ وَإِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ وَمَن يَتَوَلَّهُمْ مِنكُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» ای اهل ایمان، شما پدران و برادران خود را نباید دوست بدارید اگر که آن‌ها کفر را بر ایمان برگزینند و هر کس از شما آنان را دوست بدارد بی شک ستمکار است [توبه: ۲۳].

از آیات فوق می‌توان چنین استنباط کرد:

- ۱- دوستی با یهود و نصاری و کفار مطلقاً جایز نیست؛ زیرا آن‌ها با اسلام و مسلمانان دشمنی می‌ورزند و دشمنی شان هم به دلایل اقتصادی یا منافع مشترک نیست، بلکه در دل‌هایشان عداوت و نفرت و نیرنگ نسبت به اسلام وجود دارد.
 - ۲- وجود خویشاوندان کافر و غیر مسلمان نمی‌تواند مجوز هم‌پیمانی مسلمانان با دشمنان اسلام و یاری گرفتن از آن‌ها باشد، و لو اینکه این دشمنان از خویشاوندان باشند. زیرا برای یک مسلمان واقعی، خدا و رسول او و جهاد در راه خدا محبوب‌تر از پدر و فرزند، برادر و همسر، قبیله و اموالش هستند. این اسلام است که نوع رابطه مسلمانان با کفار را تنظیم و تعیین می‌کند نه منافع متقابل یا خوشاوندی و همسایگی.
- قرآن کریم در مورد ولایت غیر مؤمنان هشدار داده است، برای کفار شأن و مقامی قائل نیست و تأکید می‌کند که در صورت ولایت داشتن کفار که بر اساس حکم کتاب خداوند حکومت نمی‌کنند نه ایمانی وجود دارد و نه رابطه‌ای با خداوند. بنابراین برای مسلمانان، اعم از خواص یا عوام جایز نیست که به جای مؤمنان، کفار را به عنوان دوستان خود برگزینند و کسانی که مبادرت به این کار می‌نمایند باید بدانند که این عمل مورد رضای خدا نمی‌باشد.

وحدت مسلمانان با یکدیگر

مسلمانان جهان نماینده امت واحد و متحد در امور دینی خود از جمله: ایمان، اخلاق، اهداف و جهاد هستند. آیاتی چون: «ان هذه امتكم امة واحدة» و «انما المؤمنون اخوة» و همچنین احادیثی از پیامبر اکرم (ص) چون:

«المسلم أخو المسلم لا يخذله و لا يظلمه» مسلمان برادر مسلمان است بنابراین نه او را تحقیر می‌کند و نه به او ظلم می‌نماید (البخاری، شماره ح ۲۴۴۲، ۱۴۲۲: ۴۲۹).

«مثل المؤمنین فی توادهم و تعاطفهم کالجسد إذا اشتكى منه عضو تداعى له سائر الجسد بالسهر و

الحَمَى» مثل مؤمنان در دوستی و همدردی متقابل میان خود همچون جسد است که هر گاه عضوی از آن ناراحت و شاکی باشد، سایر اعضای جسد به خاطر آن عضو در تب و بیداری به سر خواهند برد (البخاری، شماره ح ۶۰۱۱، ۱۴۲۲: ۱۰۸۲).

«المؤمن للمؤمن كالبنيان يشد بعضه بعضاً» مؤمن برای مؤمن همچون بنیان (ساختمان) است که قسمتی از آن باعث نگهداری و حفظ دیگری می‌باشد (البخاری، شماره ح ۲۴۴۶، ۱۴۲۲: ۴۳۰).

همه این احادیث و روایات بر وحدت مسلمانان تأکید دارند و این نکته را یادآوری می‌کنند که هر چند به ظاهر سرزمین‌های مسلمانان پراکنده و دور از یکدیگر است، اما آنان با هم برادرند. از این روست که دشمن‌شان به آنان با یک نگاه می‌نگرد و همیشه با آنان می‌جنگد. به همین دلیل بود که جنبش‌های اسلامی شامل دعوت به جهاد در کشورهای اسلامی می‌گردید و هر مسلمانی حق مشارکت در جهاد را داشت و هیچ قدرتی نمی‌توانست مسلمانان را از انجام این وظیفه منع کند.

جنگ مسلمانان با یکدیگر

رسول خدا (ص) می‌فرماید: «من حمل السلاح علينا فليس منا» هر کسی بر ضد ما اسلحه بردارد از ما نیست. یعنی از جماعت اسلامی جدا و از آن خارج است، بنابراین جنگ با او واجب خواهد بود. خداوند متعال نیز می‌فرماید: «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنَّ فَاتَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ. إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» و اگر دو طائفه از اهل ایمان با هم به قتال و دشمنی برخیزند البته شما مؤمنان بین آنان صلح برقرار دارید و اگر یک قوم بر دیگری ظلم کرد، با آن طایفه ظالم قتال کنید تا به فرمان خدا بازآید (و ترک ظلم کند) پس هر گاه به حکم خدا بازگشت با حفظ عدالت، آن‌ها را صلح دهید و همیشه عدالت کنید که خدا بسیار اهل عدل و داد را دوست می‌دارد. به حقیقت مؤمنان همه برادر یکدیگرند، پس همیشه بین برادران (ایمانی) خود صلح دهید و خدا ترس باشید، باشد که مورد لطف و رحمت الهی گردید [حجرات: ۹-۱۰] (حجازی، ج ۵، ۱۳۹۷: ۴۷ و ۴۸).

از آیه فوق چنین استنباط می‌شود که اگر میان یک طایفه از مسلمانان با طایفه دیگری از آنان اختلافی پیش آید بر طایفه یا گروه سوم که در جنگ بی طرف می‌باشد، واجب است که برای حل اختلاف دو گروه متخاصم و برقراری صلح میان مسلمانان دخالت کند، زیرا آنان با یکدیگر برادرند و نباید میانشان جنگی رخ دهد و گروهی از آنان بر گروهی دیگر ستم روا دارد، اگر طایفه ستمگر دست از ظلم بردارد و تسلیم حق و عدالت و حدود الهی نشود بر طایفه بی طرف لازم است که سلاح برگیرد و به یاری طرف مظلوم و ستم‌دیده بشتابد. به عبارت دیگر باید با زور اسلحه جلوی

طایفه متجاوز گرفته شود، به ویژه وقتی که یکی از آن دو متجاوز، با دشمنان اسلام هم پیمان شده و از آن‌ها بر ضد مسلمانان کمک بگیرد.

می‌دانیم که برادری اسلام قوی‌تر از اخوت نسبی است، به همین دلیل بر مسلمانان واجب است که میان برادرانی که بر اثر اختلاف، به جنگ با یکدیگر برخاسته‌اند، صلح برقرار نمایند و بدانند که تقوای الهی تنها راه کلی علاج دردهای مسلمانان و مانع بروز درگیری میان آنان و همچنین از بین رفتن دشمنی‌های داخلی آنان می‌شود. آری مسلمانان باید باور کنند که تقوا تنها راه رحمت و تنها راه نجاتشان است (حجازی، ج ۲۶، ۱۳۹۷: ۶۰ و ۶۱).

وعده پیروزی حق بر باطل

از دیگر اصول مسلم در فلسفه تاریخ، از دیدگاه امام راحل، امید به پیروزی جنود حق بر جنود باطل می‌باشد. در پرتو این دیدگاه است که همواره این رادمرد تاریخ بذر امید را در دل فرزندان انقلابی این دیار می‌پاشید و با کلام معنوی خود آبیاری می‌کرد.

البته این اصل مسلم تاریخی در دیدگاه امام راحل، بر گرفته شده از متون دینی، اگر چه در روند تاریخ، مقاطع بسیاری پیش آمده که حق و رهروان راهش در صف و فشار باطل میدان دارانش در تاخت و تاز بوده‌اند، اما سرانجام تاریخ طبق سنن الهی از آن حق و حق طلبان است.

همچنان که نظام تکوینی نظام خیر و غلبه خیر بر شر است، فرجام نظام اجتماعی بشر هم فرجامی بسیار خوش است. فرجامی که پیروزی توحید و تقوا را بر شرک و کفر، حق را بر باطل، عدالت را بر ظلم و صلاح را بر فساد و حق طلبان را بر باطل گرایان و تبهکاران نوید می‌هد.

«وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ ... بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ»
ما آسمان و زمین و آنچه در میان آن‌هاست عبث و بازیچه نیافریدیم ... بلکه ما حق را بر باطل می‌کوبیم و آن را نابود می‌سازیم آنگاه است که خواهند دید که باطل، پوچ و تباه است» [انبیاء: ۱۶ و ۱۸] (بهداروند، ۱۳۹۲: ۱۳۷).

«كَتَبَ اللَّهُ لِلْأَعْلِينَ أَنَا وَرُسُلِي إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ» خداوند بر خود لازم شمرده و نگاشته است که او و پیام آورانش بر مخالفان دعوت‌های توحیدی غلبه کنند که خداوند بی حد قوی و عزیز است [مجادله: ۲۱].

بنابراین ملاحظه می‌شود که از دیدگاه تاریخی در جریان کشاکش و جدال بین توحید و شرک، اگر چه ممکن است توحید گرایان و طرفداران حق، بارها دچار ناکامی شوند و اشتباهات و ندانم کاری‌ها و بیگانگی‌های آنان پاپیچ آنان گردد و یا در اقلیت و فشار قرار گیرند، اما این سنت محترم و وعده تاریخی و قطعی خداست که در آخرین برخورد و نیرو بین این دو، پیروزی جاودانه، با

خداجویان و ایمانداران است. در این ستیز جبهه باطل و پیروان آن هستند که نابود می‌شوند و حاکمیت ظالمانه آن‌هاست که در نوردیده می‌شود و سرانجام شایستگی که اهل ایمان و عمل صالحند خلیفه و جانشینان در زمین خواهند شد.

«و نُزِيْدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعَفُوا وَ نَجْعَلَهُمْ أُمَّةً» اراده خداوند تعالی بر آن است که با رهبری حکیمانه انبیاء عظام و وارثان آنان، مستضعفین را از قید حکومت طاغوتی آزاد و سرنوشت آنان را به دست خودشان بسپارد» (بهداروند، ۱۳۹۲: ۱۳۸).

قاعده حق پیروز، صحیح است. موسی با یک عصا به فرعون غلبه کرد و پیامبر اکرم (ص) با دست خالی با یک عده معذور که هیچ ساز و برگی نداشتند، منزل هم نداشتند، یک عده‌ای بودند که توی مسجد که به آن‌ها «اصحاب صفه» می‌گفتند، نه منزلی داشتند و نه اسباب و وسایلی، یک گوشه‌ای از مسجد نبوی را منزل خود قرار داده استراحت می‌کردند. در جنگ‌ها هر چند نفر یک اسب و یک شتر داشتند، ولی بر حق بودند و حق پیروز است. همین عده کم بر امپراطوری روم و ایران، غلبه کردند، شکست شان دادند. مادامی که ما حق باشیم پیروزیم (بهداروند، ۱۳۹۲: ۱۳۸).

نتیجه‌گیری

دین اسلام، دین صلح و آرامش است و دعوت کننده به آن نیز می‌باشد، چنان که قرآن می‌فرماید: «وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى دَارِ السَّلَامِ» و خداوند همه شما را به صلح و سلم دعوت می‌کند [یونس: ۲۵] و نیز در جایی دیگر می‌فرماید: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (ای پیامبر) انسان‌ها را با حکمت و برهان و موعظه نیکو و جدال احسن به راه خدا دعوت کن [نحل: ۱۲۵].

حکمت و عقل و منطق و موعظه، ابزارهایی هستند برای دعوت و هدایت مردم، اما اگر این ابزارها مؤثر نبود و افرادی با عقاید فاسد و باطل، هم خود گمراهند و هم دیگران را به گمراهی می‌برند، چاره‌ای جز جدال، جنگ و جهاد نیست.

با مطالعه آیات قرآن کریم، می‌توان این نکته را استنباط کرد، راه‌های خداوند (فی سبیل ا..) که آیات قرآنی به منظور تحقق آن‌ها به مسلمانان دستور جنگ و جهاد داده است، در واقع همان رسالت اسلام اعم از عقاید ایمانی واجبات عملی مثبت و منفی (اوامر و نواهی) هستند.

ایده جهاد، یک ایده اسلامی و مخصوص مسلمانان است و اطلاق آن تنها به مواردی که در راه احقاق اهداف خداوند صورت گیرد صحیح است و فقط مجاهدان مسلمان و مؤمن به جهاد حقیقی می‌پردازند. خداوند جهاد را ملاک سنجش صدق ایمان مسلمان قرار داده است، چون بالاتر از بخشش مال و جان در راه خدا چیزی وجود ندارد.

از دیدگاه اسلام، خود جنگ یا دفاع ذاتاً مذمت شده است مگر اینکه اهداف عالی‌های بر آن مترتب شده باشد.

دفاع انسان از خود و اعتقادات خود، امری فطری و طبیعی می‌باشد که این دفاع آنگاه ارزشمند می‌شود که انسان در راه حفظ اعتقادات و مکتب خود به پا خیزد، به ویژه مکتبی که وعده صلاح و خیر به او داده است. شرط تحقق آیین الهی و دعوت انبیاء (ع) دفاع از کیان دین آن‌هاست که نسل اندر نسل به بشریت اهداء شده است و کامل‌ترین آن‌ها دین خاتم پیامبران محمد مصطفی (ص) است.

بنابراین اگر می‌بینیم که امام راحل (ره) در کلمات خود از واژه جنگ استفاده می‌فرمایند، یقیناً منظور ایشان جهاد ابتدایی نمی‌باشد، بلکه به جنگ دفاعی فکر می‌کنند.

بنابراین امام آن رهبر بزرگ با رهنودهایش در دوران حماسه دفاع - که به حق، دفاع مقدس نام گرفت - توانست همواره در زمینه دفاع ملت‌ها از هویت و استقلال خود و کشورشان، به عنوان مشعل راه و سرمشقی برای جهان اسلام باقی بماند.

امام خمینی (قدس سره)، با بنیانگذاری انقلاب اسلامی که در سایه جهاد و دفاع، نصیب ملت غیور این مملکت شد، توانست پیام آزادی از تمامی حلقه‌های اسارت و بندگی مادیت و ظلم‌های بی حد و حصر قدرت‌های پوشالی استکباری را به همراه آورد و همه مظلومان عالم را امیدوار و همه مستکبران و زورمداران را نا امید ساخت. انقلابی که نظام کفر جهانی را به لرزه درآورد و پایه‌های آن را سست نموده و موجبات اضمحلال آن را فراهم نمود، و ان شاء... در آینده نه چندان دور شاهد از هم پاشیده شدن و محو کامل نظام استکباری غرب نیز خواهیم بود.

پیشنهادهات

۱- رابطه دفاع مقدس و انقلاب اسلامی از موضوعات مهم فرهنگی است که می‌بایست مورد تحلیل صحیح قرار گیرد. امروز یکی از ضروری‌ترین امور در عرصه انقلاب، شناخت و تحلیل انقلاب اسلامی و بازشناسی آسیب‌ها و خطرات آفات آن می‌باشد. تحقق این مهم، شناخت ابعاد ناشناخته و زوایای پنهان انقلاب اسلامی است که غرب و شرق با متدلوژی متداول خود ت کنون قدرت شناخت و بهینه آن را نداشته‌اند.

۲- موضوع انقلاب اسلامی و دفاع مقدس ۸ ساله همچون عاشورا و حماسه کربلا حدیث مقاومت غریبانه ایست؛ بیان این حماسه تکرار مکررات نیست. سالیان سال باید از آن گفت و از آن عبرت گرفت.

بنابراین پیشنهاد می‌شود: نویسندگان کتاب‌ها بنگارند، هنرمندان تصویر و نقش سازند و شاعران

نظم و نثر گویند تا بر زبان مردم دیار ما ترنم بیاید.

برای مردمی که بر اساس ارزش‌های عمیق انسانی، انقلاب نمودند، ذکر مدام آن زلالی‌ها و پاکی‌ها، شوق مؤکدی است بر طراوت‌ها و تلاش‌های آینده، به ویژه برای نسل جوان جامعه که آن همه عظمت را در بیان‌های قاصر و زبان‌های مقصر، ناقص شنیده‌اند. از اینرو باید از تمامی آن جلوه‌های خدایی و نمادهای عمیق اسلامی سخن گفت که هر آنچه به قلم درآید در خدمت جنگ است نه ادای تمام تکلیف. «حاشا که حل این معما جز به عشق حاصل نشود».

مراجع

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- ابن قیم الجوزی، الامام شمس الدین ابی عبدالله محمد بن ابی بکر (۱۳۹۹)، زادالمعاد فی هدی خیرالعباد، بیروت،
- ۳- ابن قدامة المقدسی، الامام موفق الدین عبدالله بن احمد (۱۳۹۳)، المقنع فی فقه امام احمد بن حنبل، جلد اول، دوحه، چاپخانه ملی قطر.
- ۴- ابن حزم، علی بن احمد بن سعید (۱۹۶۸)، المحلی، قاهره، کتابخانه الجمهوریة العربیة.
- ۵- ابن العماد الحنبلی، ابوالفلاح عبدالحی بن علی بن کثیر (۱۹۸۳)، شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، بیروت،
- ۶- البخاری، أبو عبدالله محمد بن اسماعیل (۲۰۰۱)، صحیح البخاری، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- ۷- بهداروند، محمد مهدی (۱۳۹۲)، جامعه شناسی جنگ، تهران، مؤسسه انتشارات کتاب نشر.
- ۸- حجازی، محمد محمود (۱۳۹۷)، التفسیر الواضح، قاهره، چاپخانه استقلال الکبری.
- ۹- الخوارزمی، العلامة جمال الدین ابی بکر (۱۴۰۰)، مفیدالعلوم و مبیدهالموم، دوحه، چاپخانه ملی قطر.
- ۱۰- الدهلوی، العلامة احمد حسن (۱۳۹۴)، حاشیة الدهلوی علی بلوغ المرام، دمشق، المکتب الاسلامی.
- ۱۱- الشوکانی، محمد بن علی بن محمد (۱۹۷۳)، نیل الأوطار، بیروت، دارالجیل.
- ۱۲- الصنعانی، محمد بن اسماعیل (۱۹۷۳)، سبل السلام شرح بلوغ المرام من جمع ادلة الأحکام، قاهره، مکتبہ الجمهوریة العربیة.
- ۱۳- الفلقشندی، احمد بن علی (۱۳۳۸)، صبح الأعشی فی صناعة الإنشاء، قاهره، مؤسسه عمومی تألیف و ترجمه و چاپ و انتشار.

Jihad and Holy Defense in Quran and Hadiths

J. M. Raisi

Abstract

In Quran and religious resources, war and Jihad are to prevent corruption on earth, preserve worship-places, forbid tyranny, and defend the oppressed. In short, they are to deal with whatever obstacles perfection, salvation and happiness of mankind and not for economic exploitation or political domination, social and geographical expansion, or issues that in the history of human suffering have stripped safety and security of people and have imposed the most losses upon them. So Surah Bagharah, Ayah 208 (O you who have believed, enter into Islam completely [and perfectly] and do not follow the footsteps of Satan. Indeed, he is to you a clear enemy) is not different from Surah Anfal, Ayah 39 (And fight them until there is no sedition and [until] the religion, all of it, is for Allah. And if they cease - then indeed, Allah is seeing of what they do) because the war is to dispose of sedition, which is followed by peace. Practical life of the Prophet Mohammad was based on warding off the aggression and oppression in all conflict with the pagans, infidels and the Jews. Basically, the philosophy of jihad in Islam consists of justice, provision of demands and freedom of the people based on human and religious values.

Keywords war, Jihad, defense, holy, Quran, Hadiths